

خانواده به عنوان يك واحد كوچك اجتماعي كه در عين حال زير بنای اصلی جامعه را تشكيل ميدهد، از دير باز مورد توجه و مطالعه و پژوهش قرار گرفته است. پژوهشگران علوم تربيتی و اجتماعي همواره بر آن بوده اند كه تربيت و تهذيب اخلاقي را همراه و از طريق آموزش خانواده آغاز كنند و نظم و ترتيب و همبستگي را از خانواده بجامعه گسترش دهند. دگرگونی وضع جوامع بشري و پيشرفت سريع صنعت و تكنولوژی سبب شده است كه در وضع و موقعيت خانواده نيز همراه با تحولاتي كه در ساير نهاد های اجتماعي بوجود آمده است، تحولي شگرف پديد آيد و



لذا طرح پژوهش مزبور که در حال حاضر جنبه اکتشافی دارد، ابتدا بطور تجربی و مقدماتی با نگرشی به تعداد ۶۲۵۱۰۹ خانواده مقیم تهران (آمار منتشرمرکز آمارایران در سال ۱۳۵۴) بر روی گروه نمونه‌ای مرکب از ۶۲۳ خانوار (به مقیاس یک هزارم) که از میان کل خانواده‌های مقیم تهران منطبق با اصول و موازین علمی و به طور کاملاً تصادفی انتخاب شده‌اند اجرا گردیده است. عناصر اصلی پژوهش را پدر و مادر و فرزندان ۱۱ تا ۱۹ سال (سنین نوجوانی) تشکیل می‌دهند که ابزار پژوهش (برسشنامه‌های خاص و جداگانه) از طریق مصاحبه مستقیم چهره به چهره بر روی آنها اجرا گردیده است.

چهار جلد از گزارش مقدماتی پژوهش مذکور شامل بخشهای یکم تا هشتم در سال ۱۳۵۶ و نیمه اول سال ۱۳۵۷ چاپ و منتشر گردیده و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است. جلد پنجم که شامل بخشهای نهم و دهم پژوهش است هم اکنون زیر چاپ است و قریباً انتشار خواهد یافت.

از آنجا که پژوهش مزبور مستند، آموزنده و متکی به اعداد و ارقام آماری است و مسائل مربوط به نوجوانان و روابط آنها را با خانواده

روابط دیرین میان پدر و مادر و فرزند نیز تحت تاثیر آن دگرگون شود. بر خورد و اصطکاک دو عامل یعنی تاثیر و شکوفائی علم و تکنولوژی از يك سو و سر خوردگی، بلاتکلیفی و سرگردانی انسانها از سوی دیگر موجب پیدایش دشواریها و مسائلی برای خانواده‌ها، مریبان و نوجوانان گردیده و اهمیت نقش تعلیم و تربیت و پژوهش‌های علمی مربوط به آن را بیش از پیش آشکار ساخته است. انجمن ملی اولیاء و مریبان ایران با توجه به وظائف و مسئولیت‌های خطیری که در زمینه ارشاد و هدایت خانواده‌ها و مریبان و حل مسائل نوجوانان دارد، مبادرت به تهیه و اجرای يك رشته تحقیق در باره تعدادی از مسائل و موضوع‌های مربوط به خانواده‌های ایرانی تحت عنوان «ارتباط بین پدر و مادر و فرزند در دنیای امروز» نموده است. موضوع پژوهش عبارت است از درك روابط بین سه قطب اساسی خانواده یعنی پدر و مادر و فرزند، تحقیق در نظام ارزشها و بررسی مسائل و مشکلاتی که مادران، پدران و فرزندان با آنها روبرو هستند. چون شناخت مسائل نوجوانان و درك روابط آنها با خانواده به صورتی همه جانبه با توجه به محدودیت زمانی و اعتباری امکان پذیر و عملی نیست،

تا حد قابل ملاحظه‌ای روشن نموده است، لذا انجمن ملی اولیاء و مربیان ایران تصمیم گرفته است که قسمت هایی از نتایج پژوهش را استخراج و از طریق پیوند خانه و مدرسه (نشریه انجمن ملی اولیاء و مربیان ایران) بتدریج در اختیار خوانندگان عزیز قرار دهد.

اینک چکیده یکی از بخشهای پژوهش را که تحت عنوان «مسئولیت مادران و پدران در قبال فرزندان» مشخص گردیده است ذیلاً ذکر نموده و مطالعه و بررسی آن را به عموم خانواده‌ها، مربیان، نوجوانان و همچنین علاقمندان به علوم اجتماعی و تربیتی توصیه میکنیم.

در این بخش از پژوهش توجه ما بیشتر به اهمیت و وظائف و مسئولیت های والدین و نقش آن در تربیت فرزندان معطوف بوده است بدین - معنی که آیا در زمینه تربیت فرزند نقش مادر حساس تر است یا پدر؟ کدام طرف در قبال تربیت، مسائل و مشکلات فرزندان از وظایف خاص خود سرباز می زند و کدام یک با گذشت و فداکاری بیشتری وظائف و مسئولیت هائی را که خانواده و اجتماع به وی واگذار کرده است از جان و دل می پذیرد؟

به منظور آگاهی از میزان احساس و قبول مسئولیت هر یک از والدین نسبت به وظایفی که در باره فرزندان خود بر عهده دارند در پرسشنامه -

های مربوط به مادران و پدران تعداد ۸ پرسش منظور شده است که چهار پرسش نخست مسئولیت والدین را در مورد فرزندان پسر و چهار پرسش دوم، مسئولیت والدین را در مورد فرزندان دختر مشخص می سازد، نتایج کلی تجزیه و تحلیل پرسش های مذکور را ذیلاً مورد مطالعه و بررسی قرار می دهیم:

۱- مسئولیت تربیت پسر (دختر) در منزل بیشتر با پدر است یا مادر؟ در مورد تربیت فرزندان پسر، بین نظرات مادران و پدران تفاوت وجود دارد. از میان مادران در حدود ۳۰ درصد و از میان پدران ۵۱ درصد، فقط خودشان را مسئول می دانند، در حالیکه ۵۶ درصد مادران و ۳۶ درصد پدران این مسئولیت را متوجه دیگری می دانند. به عبارت دیگر در مورد تربیت پسران، به طور کلی پدران بیش از مادران احساس مسئولیت می کنند و بیش از نیمی از والدین سعی دارند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند.

در مورد تربیت فرزندان دختر، بین نظرات مادران و پدران تفاوت وجود ندارد، بدین معنی که در حدود ۹۰ درصد والدین (اعم از پدر یا مادر) فقط مادران مسئول دانسته اند. طبقه اجتماعی در نظرات و میزان قبول مسئولیت والدین تاثیر زیاد دارد و این تاثیر در مورد قبول مسئولیت تربیت دختر و پسر متفاوت

است. در طبقات بالاتر اجتماع تعداد کمتری از مادران مسئولیت تربیت پسر را متوجه پدر می دانند، در حالیکه در مورد تربیت دختران قضیه تقریباً معکوس است، به طوری که هیچ یک از مادران طبقه ۱ مسئولیت تربیت دختر را متوجه پدر به تنهایی نمی دانند بلکه در حدود ۸۸ درصد از آنها خودشان به تنهایی این مسئولیت را پذیرفته اند و ۱۲ درصد بقیه نیز هم پدر و هم مادر را مسئول می دانند و در میان طبقه ۵ اجتماع ۸ درصد این مسئولیت را به گردن پدر می اندازند.

میزان قبول مسئولیت پدران در قبال تربیت پسر کمتر تحت تأثیر طبقه اجتماعی مربوط قرار دارد، بدین ترتیب که گروه پدران در همه موارد صرف نظر از مقام و موقعیت اجتماعی، خود را در تربیت فرزندان پسر مسئول می دانند و میزان این درصد در طبقه ۱۴ اجتماع به بیشترین مقدار یعنی به ۶۲ درصد می رسد. در مورد دختران نیز در همه طبقات اجتماعی تقریباً ۹۰ درصد پدران مسئولیت را متوجه مادر دانسته اند.

۲- مسئولیت رسیدگی به کارهای پسر (دختر) در منزل بیشتر با پدر است یا مادر؟

در مورد این پرسش نیز بین نظرات مادران و پدران تفاوت اساسی وجود دارد. بدین معنی که ۴۰ درصد مادران و ۵۴ درصد پدران شخصاً

خودشان را در این مورد مسئول می شناسند (در مقایسه با مادران تعداد بیشتری از پدران خود را مسئول دانسته اند) در حالیکه در میان پدران ۳۷ درصد این مسئولیت را بر گردن مادران انداخته اند و در میان مادران در حدود ۵۰ درصد یعنی نیمی از آنها از زیر بار مسئولیت مذکور شانه خالی کرده اند و مسئولیت رسیدگی به کارهای پسر را فقط متوجه پدر دانسته اند.

در مورد رسیدگی به کارهای دختر بین پدران و مادران اساساً توافق وجود دارد، بدین معنی که ۹۳ درصد مادران و ۹۱ درصد پدران فقط مادر را مسئول می شناسند.

بین نظرات والدین متعلق به طبقات اجتماع از لحاظ رسیدگی به کارهای پسر تفاوت فاحش وجود دارد، بدین معنی که از میان مادران طبقه ۱ در حدود ۵۰ درصد شخصاً خودشان را مسئول می دانند و فقط ۳۴ درصد مسئولیت را به گردن پدران می اندازند، در حالیکه در طبقه ۵ قضیه کاملاً معکوس است، یعنی در حدود ۳۷ درصد شخصاً مسئولیت را پذیرفته اند و در حدود ۶۰ درصد این مسئولیت را متوجه پدر دانسته اند. این تأثیر در مورد میزان قبول مسئولیت پدران در قبال رسیدگی به کارهای پسر نیز قابل توجه است، بدین معنی که

در طبقه ۱ در حدود ۵۰ درصد شخصا قبول مسئولیت کرده‌اند و ۳۱ درصد مسئولیت را متوجه مادران دانسته‌اند، در حالیکه در طبقه ۵، در حدود ۷۱ درصد پدران شخصا مسئولیت را پذیرفته‌اند و تنها ۲۷ درصد از آنها این مسئولیت را متوجه مادران دانسته‌اند.

تعلق به طبقه اجتماعی در میزان واکنش والدین نسبت به رسیدگی کارهای دختر تقریباً تأثیر محسوس ندارد، بدین ترتیب که تقریباً همه طبقات اجتماع متجاوز از ۹۰ درصد مادران و پدران فقط مادر را مسئول می‌شناسند.

۳- مسئولیت کنترل رفت و آمدهای پسر (دختر) بیشتر با پدر است یا مادر؟

در مورد کنترل رفت و آمدهای فرزند پسر، پدران بیش از مادران خود را مسئول می‌دانند (۷۲ درصد در مقابل ۲۳ درصد). در این مورد ۶۷ درصد مادران، پدر را مسئول می‌شناسند، در حالیکه فقط ۱۸ درصد از پدران این مسئولیت را به مادران واگذار نموده‌اند.

در مورد کنترل رفت و آمدهای فرزند دختر، نکته جالب این است که با آنکه گروه مادران بیش از گروه پدران در این مورد احساس مسئولیت کرده‌اند، معیناً بیش از آنکه مادران، پدر را مسئول بشناسند، گروه پدران خودشان را شخصا مسئول



دانسته‌اند و این نیز دال بر قبول مسئولیت بیشتر پدران است.

با بالا رفتن طبقه اجتماعی، میزان قبول مسئولیت پدران در مورد کنترل رفت و آمدهای فرزندان پسر کاهش می‌یابد. و میزان مسئولیت مادران از روند خاصی پیروی نمی‌کند (به‌طور متوسط ۲۳ درصد دو تقریباً معادل  $\frac{1}{2}$  میزان قبول مسئولیت پدران است) اما در مورد دختران وضع بدین ترتیب است که هرچه طبقه اجتماعی بالاتر رود این میزان احساس مسئولیت مادران کاهش و میزان قبول مسئولیت پدران افزایش می‌یابد.

۴- در سر نوشت پسر (دختر) پدر موثرتر است یا مادر؟  
متجاوز از  $\frac{1}{2}$  والدین، در سر نوشت فرزند پسر، پدر را موثرتر از مادر و در همین حدود در سر نوشت دختر، مادر را موثرتر از پدر می‌دانند. به عبارت دیگر بین نظرات پدران و

مادران چه در مورد پسران و چه در مورد دختران توافق اساسی وجود دارد ، بدین معنی که هر دو به يك نسبت خود را در سرنوشت آنان موثر می دانند . اما این نسبت ها در باره فرزند دختر و پسر کاملا معکوس یکدیگر است . یعنی تقریباً ۷۰ درصد از والدین پدر را در سرنوشت پسر موثر تر از مادر و مادر را در سرنوشت دختر موثر تر از پدر می دانند .

انتخاب پدر به عنوان فردی که در سرنوشت پسر موثر تر از مادر است ، از طرف گروه مادران تحت تاثیر طبقه اجتماعی قرار ندارد و در همه طبقات اجتماعی ، مادران تقریباً به يك نسبت (بین ۶۱ تا ۷۵ درصد) پدر را موثر تر از خودشان می دانند ، در حالیکه درصد مادرانی که خود را موثر تر می دانند در طبقه ۱ به کمترین مقدار یعنی ۶ درصد و در طبقه ۴ به بیشترین مقدار یعنی ۲۶ درصد می رسد . اما قضاوت پدران بر خلاف نظرات مادران بیشتر تحت تاثیر طبقه اجتماعی است و هر چه طبقه اجتماعی بالاتر رود تعداد پدرانی که خود را در سرنوشت پسر موثر می دانند کاهش می یابد و قضاوت آنان بطور کلی يك روند نزولی مرتب از طبقه ۵ به سمت طبقه ۱ دارد .

در مورد دختران وضع بدین ترتیب است که در همه طبقات گروه مادران تقریباً به يك نسبت (بین ۶۸ تا ۷۶

درصد) خود را در سرنوشت آنان موثر تر از پدر می دانند .

اما نظرات پدران در مورد این مطلب که «در سرنوشت دختر، پدر بیش از مادر موثر است» تحت تاثیر طبقه اجتماعی قرار دارد ، به طوری که در صد آنها از طبقه ۵ به سمت طبقه ۱ سیر نزولی دارد (بیشترین مقدار مربوط به طبقه ۵ در حدود ۲۹ درصد و کمترین مقدار مربوط به طبقه ۱ و در حدود ۹ درصد است) . به طور خلاصه میزان قبول مسئولیت والدین طبقه پائین اجتماع چه در مورد پسران و چه در مورد دختران بیش از سایر طبقات است ، به طوری که ۷۷ درصد از پدران این طبقه در مورد سرنوشت پسر و ۱۲ درصد از آنان نیز در سرنوشت دختر، خود را موثرتر از مادر دانسته اند . و از گروه مادران طبقه پائین تر ۲۰ درصد خود را در سرنوشت پسر و ۷۴ درصد خود را در سرنوشت دختر شخصاً موثرتر از پدر می دانند . به عبارت دیگر هرچه طبقه اجتماعی پائین تر باشد میزان قبول مسئولیت والدین بیشتر می شود و هر دو گروه شخصاً خود را در سرنوشت فرزندان سهیم می دانند و بیش از سایر طبقات اجتماع مسئولیت را می پذیرند .